



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

فقه و اجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال دهم، شماره بیستم (پاییز و زمستان ۱۴۰۲)



مرکز فقهی ائمه اطهار

صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار

مدیر مسئول:

آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سردبیر:

علی نهبانندی

دبیر تحریریه:

محمدرضا محمودی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داودی

ویراستار:

محسن اکبری شاهرودی

مترجم انگلیسی:

علی رشیدآبادی

مترجم عربی:

حبیب ساعدی

طراح:

حمیدرضا پورحسین

صفحه‌آرا:

محسن شریفی

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

- جعفر بستان (نجفی) (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- سید جواد حسینی گرگانی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)

- محمدجعفر طیبی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)

- سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)

- محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمدرضا فاضل کاشانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمد قائینی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)

- علی نهبانندی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

- سعید واعظی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

دوفصلنامه فقه و اجتهاد بر اساس نامه شماره ۱۲۱۲۳
شورای اعطای مجوزها و امتیازهای شورای عالی حوزه‌های
علمیه در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۶/۱ از شماره دهم به رتبه
علمی - پژوهشی ارتقا یافته است.

نمایه شده در پایگاه‌های:

Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)

Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار

معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۴۹۴

دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۰۵۸۸

سامانه فصلنامه: www.mags.markafeqhi.com

پست الکترونیکی: mags@markazfeqhi.com

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال

Content Weighing the Narrations of Presenting to the Qur'an with an Emphasis on the Opinion of Mohaqeq Naini

*Mohammad Sadeq Yousefi Moqaddam*¹

*Seyyed Mohsen Alenabi*²

Abstract

Among the various criteria that have been taken into consideration by the scholars of fundamental science to refine the hadiths, the most reliable way is to present the hadiths based on the Holy Quran. Because, the Qur'an is the word of God and the source of all righteousness. And on the other hand, the content of the narrations is the necessity of comparing the narrations with the Quran. Since the meanings of presenting narrations are different and sometimes multi-faceted, the present research seeks to investigate the question of how the meaning of presenting narrations can be interpreted from the perspective of Mohaqeq Naini, and what is the difference between it and other perspectives? The problem of the present research with the descriptive-analytical method and the collection of information in the form of a library, such as priority of Quran, the semantics of the presenting narrations and allocation or non-allocation to the conflict, has been investigated, the method and "the perspective of believing that presentation narrations is an external and reality case" From Naini's point of view, is preferred. This point of view answers the major problems in the science of the principles regarding the contents of the narrations and the contradictions of the hadiths and the Holy Qur'an.

Key words: Qur'an, Presentation Narrations, Resolv Narrations, centrality of Qur'an, Na'ini.

1. Associate Professor of Islamic Science and Culture Research Institute, y_moqaddam@yahoo.com.

2. A graduate of the field, specialized doctorate, researcher of Qom seminary, responsible author;

فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال دهم، شماره بیستم (پاییز و زمستان ۱۴۰۲)
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۵

توزین دلالی روایات عرضه بر قرآن با تأکید بر نظر محقق نایینی

محمد صادق یوسفی مقدم^۱
سید محسن آل نبی^۲

چکیده

استوارترین راه در میان ملاک‌های گوناگونی که برای پالایش روایات، مورد توجه اصولی‌ها قرار گرفته، عرضه روایات بر قرآن کریم است؛ زیرا از سویی قرآن، کلام الهی و منبع پیراسته از هر ناراستی و از سویی دیگر، مفاد اخبار عرضه، ضرورت اعتبار سنجی اخبار با قرآن است. از آنجا که مدلول روایات عرضه، متفاوت و گاه، چند وجهی است، پژوهش پیش رو در پی واکاوی این پرسش است که از دیدگاه محقق نایینی، مدلول روایات عرضه چگونه قابل تفسیر است و وجه تمایز آن از سایر دیدگاه‌ها چیست؟ مسأله این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مواردی، مانند منطق تقدّم کتاب، معناشناسی اخبار عرضه و اختصاص یا عدم اختصاص به باب تعارض را مورد بررسی قرار داده؛ روش و «دیدگاه قضیه خارجی» دانستن روایات عرضه» از منظر نایینی را ترجیح داده است. یافته این دیدگاه، اشکال عمده در دانش اصول نسبت به مفاد اخبار عرضه و تخالف روایات و قرآن کریم را پاسخ می‌دهد.

واژگان کلیدی: اخبار علاجیه، روایات عرضه، اخبار علاجیه، روایات، قرآن محوری.

فقه واجتهاد / توزین دلالی روایات عرضه بر قرآن با تأکید بر...

۱. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، y_moqaddam@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته حوزه، دکترای تخصصی، پژوهشگر حوزه علمیه قم، نویسنده مسئول؛

مقدمه

استوارترین راه در میان ملاک‌های گوناگونی که برای پالایش روایات مورد توجه اصولی‌ها قرار گرفته، عرضه روایات بر قرآن کریم است. از این رو، عرضه روایات بر قرآن و توزین دلالتی آنها با قرآن، رویه متداول در سنت اصولی-فقهی از گذشته تا کنون بوده است و در اساس، مفاد دسته‌ای از روایات با عنوان اخبار عرضه، چیزی جز لزوم ارزیابی و اعتبار سنجی روایات با قرآن نیست. عرضه روایت بر قرآن به عنوان حجت اقوی موجب تحکیم و ابتناء استوار سنت و حاکی از جایگاه بلند قرآن در شریعت و محوریت در بیان احکام است.

شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۴، ص ۱۴۹)، شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۹، ج ۴، ص ۱۱۶ و ۲۲۹؛ ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۸۸)، سید مرتضی (سید مرتضی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۱۰) ابن زهره، (ابن زهره، ۱۴۱۷، ص ۳۰۷ و ۳۲۸)، شیخ حر عاملی (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۳۰، ص ۲۴۵) در الفائدة الثامنة وسائل و اصولی‌ها در بحث حجیت خبر واحد، تخصیص عام و اطلاق قرآن، تعادل و تراجیح به این موازنه استناد و اشاره نموده‌اند. با این حال، بازکاوی و ارزیابی مجدد مفاد اخبار عرضه ضرورت دارد؛ زیرا:

۱. برخی مباحث نوپدید است که به نظر می‌رسد کمتر مورد توجه عالمان علم اصول و پژوهشگران گفته شده قرار گرفته است. برای نمونه، اراده معنای خاص خداوند از الفاظ و آیات قرآن و از جمله آیات الاحکام توسط مباحث زبان‌شناختی جدید و هرمنوتیک نسبی‌گرا مورد نقد قرار گرفته است. آنها بر این باورند که گوینده الفاظ و کلمات از جمله خداوند در قرآن کریم، معنا و مراد خاصی را قصد نکرده؛ بلکه الفاظ قرآن، ظرفیت حمل معانی و مقاصد گوناگون را دارد.

۲. امکان وصول به مراد خداوند از آیات قرآن، جدای از روایات تفسیری، ادعای دیگری است که برخی از اخباری‌ها از گذشته در آن مناقشه کرده‌اند و امروزه نیز به گونه‌ای در حال بازسازی است؛ در حالی که از اخبار عرضه به دست می‌آید که اولاً خداوند، معنای خاصی از آیات اراده نموده است و ثانیاً زمینه وصول به مراد الهی نیز وجود دارد و الا معنا نداشت که قرآن به عنوان مبنا و معیار سنجش احادیث معرفی گردد.

۳. مورد سوم و مهم‌تر اینکه در سال‌های اخیر، گروهی با عنوان قرآن‌محوری و با رویکردی انتقادی در صدد ارائه فهم و دریافت متفاوتی از مفاد اخبار عرضه برآمده‌اند. آنها با اصالت‌بخشی به قرآن در فرایند استنباط، سهم سنت را تقلیل داده و بر عرضه گسترده و وسیع اخبار بر قرآن اصرار دارند. در این میان، یکی از مبانی و مستندهای آنها، اخبار عرضه است. برای نمونه، سید محمد حسین فضل الله اصطلاح مرجعية القرآن وتنقیة السنة (غلو م علی، ۱۴۳۲، شماره ۱۹) و دیگری، تعبير السنة الشريفة المنضبطة بالقرآن را به کار برده است؛ یعنی سنتی که با قرآن، سازگار و سنجیده شود. (طلال الحسن، بی‌تا، ۱۹؛ نخبه من الباحثین، ۱۴۳۴، ص ۵۳ و ۵۵)

او می‌گوید که «ما معتقد به سنت شریفه هستیم و اعتقاد به ضرورت عمل بر طبق سنت را داریم ولی مشروط می‌دانیم به اینکه در قدم نخست، باید موافقت سنت با قانون اسلام - که همان قرآن کریم است - احراز گردد.» (طلال الحسن، بی‌تا، ص ۶۱؛ نیز رک: صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۱۱، ص ۱۰۷؛ ج ۱۳، ص ۱۵۶) و سپس ادعا می‌کند که شیعه به روایات عرض حدیث بر قرآن به شکل محدود و فقط در دایره تعارض عمل نموده است (طلال الحسن، بی‌تا، ص ۴۵).

پژوهش پیش رو در صدد بررسی مفاد اخبار عرضه ناظر به مسائل گفته شده به ویژه رویکرد قرآن‌محوری، آن هم با تأکید بر نظر محقق نایینی است. تمرکز بر محقق نایینی از این جهت حائز اهمیت است که رأی و نظر ایشان حامل میزانی از نوآوری و تقریر متفاوتی است؛ افزون بر اینکه پژوهشگران پس از خود را هم تحت تأثیر قرار داده است. اکنون برخی از پرسش‌های مرتبط با اخبار عرضه اشاره می‌شود:

۱. مفاد اخبار عرضه چیست؟ آیا اطلاق دارد یا مختص مورد تعارض است؟
۲. معیار اصلی کدام است؛ لزوم موافقت با قرآن یا عدم مخالفت؟
۳. در صورت طرد خبر مخالف با قرآن، مخالفت از نوع تباین مد نظر است یا

عموم مطلق؟

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های مستقلی از برخی نویسندگان با عناوینی، مانند

بیت علیه السلام، نقد متنی روایات تفسیر نور الثقلین بر اساس مستندهای قرآنی، بررسی روایات عرضه، اقتراح تحلیل روایات عرضه حدیث بر قرآن، عرضه روایات بر قرآن کریم از نظر علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، در مجلات گوناگون انتشار یافته است؛ ولی از جهاتی لزوم بازپژوهی و ارزیابی مجدد اخبار عرضه احساس می‌شود؛ زیرا برخی از مقالات یاد شده (دو مقاله نخست) تمرکز بر روایات تفسیری دارند؛ مقاله سوم به بررسی مدلول‌ها و فقه الحدیث روایات عرضه از منظر فریقین پرداخته و ضمن نقل مجموعه احادیث عرضه، به اختصار مدلول‌های آنها را دسته‌بندی نموده است؛ مقاله چهارم نیز گزارش کوتاهی از اخبار عرضه ارائه کرده است و مقاله پایانی نیز به صورت موردی کاربست عرضه روایات بر قرآن را از منظر علامه طباطبایی در المیزان مورد بررسی قرار داده است.

پژوهش پیش رو ضمن ارج نهادن به کوشش علمی انجام شده، به ارزیابی مدلول روایات عرضه با تأکید بر دیدگاه محقق نایینی پرداخته؛ با تبیین نسبت کتاب و سنت و نیز منطق تقدم کتاب، دیدگاه قرآن‌محوری را نقد کرده و در پایان با ترجیح «دیدگاه قضیه خارجیه دانستن روایات عرضه» از منظر نایینی، به اشکال عمده در دانش اصول پاسخ داده است.

نخست جهت تنقیح بحث و روشن شدن مرکز اصلی آن، نکاتی یادآوری می‌شود:

۱. شاکله اصلی فقه اسلامی بر اساس سنت شکل گرفته است؛ یعنی فعل، قول و تقریر معصوم که در بیشتر موارد با خبر واحد و در مواردی اندک با خبر متواتر یا متضافر گزارش‌گری شده است.

۲. از آنجایی که حدیث، آسیب‌ها و آفت‌های مختلفی در مرحله صدور، ضبط و نقل از قبیل تقیه و توریه، تصحیف و تحریف، قلب، اضطراب و اختصار، نقل به معنا و وضع و دس را تجربه کرده است (مسعودی، ۱۳۹۴، فصل اول) (که البته این آسیب‌ها نه از سرچشمه آن، بلکه برخاسته از مراحل بعدی به منظور رسیدن به دست ما است) در سنت و منابع روایی، علم حدیث و دانش رجال و اصول، ساز و کارهای مختلفی برای سنجش و ارزیابی حدیث در سه عرصه سند (راوی‌شناسی)، جهت صدور (تقیه یا عدم آن) و متن و صحت مضمونی (مانند مطابقت با قرآن و

سنت قطعی) صورت پذیرفته است (رک: مامقانی، ۱۴۱۱، ص ۳۶) که البته به جز اولی، دو مورد دیگر در دانش اصول پی گرفته شده است؛ زیرا از شرایط حجیت محکی و عوارض طاری بر سنت است. اکنون مراد از اخبار عرضه چیست؟

۱. اخبار عرضه

روایات عرضه که در مباحث مختلفی از علم اصول، مانند حجیت قرآن و پیراستگی از تحریف، حجیت خبر واحد و ظواهر قرآن کریم، تخصیص قرآن با خبر واحد و نیز تعادل و تراجم مورد بحث واقع شده، حامل مقاصد و مدلول‌های گوناگونی است که مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب القضاء وسائل الشیعة، جلد ۲۷، در ابواب صفات قاضی، باب ۹، باب وجوه الجمع بین الأحادیث المختلفة و کیفیت العمل بها، آنها را ذکر کرده است. تعدد روایات به اندازه‌ای است که برخی از آنها به متصافر (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۲۸۳؛ صدر، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۳۱۵؛ سبحانی، ۱۴۱۹، ص ۳۶) و یا متواتر (معنوی یا اجمالی) (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۲۴۷؛ نایینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۶۲) یاد کرده‌اند؛ بنا بر این چندان نیازی به بحث از سند نیست، به‌ویژه ادعای تواتر اجمالی یا معنوی که از ناحیه برخی از اصولی‌ها، مانند مرحوم آخوند و نایینی شده است؛ زیرا طبق تواتر اجمالی، به طور اجمال، علم به صدور برخی از این اخبار داریم و طبق تواتر مضمونی، یک مضمون مشترک و جامع در بین همه آنها به یقین یافت می‌شود. این اخبار در دانش اصول، به عنوان اخبار عرضه، اخبار طرح و اخبار علاجیه شهرت یافته است و به عنوان یکی از مهم‌ترین سنجه‌های متن و مضمون و یا ترجیح حدیث است؛ هر چند در قبال سنجه سندی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

بر این اساس، بعد از اینکه سلسله سند همه مورد وثوق بودند، تنها حکم به تصحیح سند یا صحیح الاسناد می‌شود؛ اما حکم به صحت حدیث، منوط به بازکاوی متن و مضمون حدیث و عدم مخالفت آن با کتاب و سنت قطعی است.

۱-۱. مدلول‌شناسی روایات عرضه

نوع چینش و چگونگی تقسیم ارائه‌شده از روایات گفته‌شده، از مباحث مهم در ارزیابی و نسبت‌سنجی آنها با یکدیگر است که گاه، فهم متفاوتی از مدلول روایات

را در پی دارد. مفاد برخی از روایات، اثباتی است؛ یا با عنوان موافقت، مانند «فَمَا وَافَقَ حُكْمُهُ حُكْمَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ»، «فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَخُذُوهُ»، «فَقَالَ أُيُّهَا النَّاسُ مَا جَاءَكُمْ عَنِّي يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَإِنَّا قُلْتُهُ، فَاتَّبِعُوا مَا وَافَقَ الْكِتَابَ»، «فَاعْرَضُوهُمَا عَلَى كِتَابِ اللَّهِ. فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ» و «فَإِن وَجَدْتُمُوهُ لِلْقُرْآنِ مُوَافِقًا فَخُذُوا بِهِ» یا با عنوان وجود شاهد یا دو شاهد از قرآن، مانند «فَوَجَدْتُمْ لَهُ شَاهِدًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ» و «فَوَجَدْتُمْ عَلَيْهِ شَاهِدًا أَوْ شَاهِدَيْنِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ»

در بخش دیگری از روایات، لسان سلب به کار رفته است، مانند «مَا لَمْ يُوَافِقْ مِنْ الْحَدِيثِ الْقُرْآنَ فَهُوَ زُخْرَفٌ»، «وَ كُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرَفٌ» و «وَإِنْ لَمْ تَجِدُوهُ مُوَافِقًا فَرُدُّوهُ». در برخی نیز تعبیر مخالفت با کتاب، مانند «وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ»، «وَ يُتْرَكُ مَا خَالَفَ حُكْمَ الْكِتَابِ»، «وَمَا جَاءَكُمْ يُخَالِفُ كِتَابَ اللَّهِ فَلَمْ أَقُلْهُ»، «وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَرُدُّوهُ» و «وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ» (ر.ک: شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷، صص ۱۲۴-۱۰۶) به کار رفته است. از مجموعه طوایف و گونه‌های گفته شده، سه عنوان مخالفت با کتاب، عدم موافقت با کتاب و عدم وجود شاهد یا دو شاهد از کتاب قابل انتزاع است. اگر چه برخی از پژوهشگران، هر سه عنوان را به یک عنوان که همان مخالفت با کتاب باشد (أخص مضموناً) فرو کاسته است؛ زیرا اگر روایتی مخالف با کتاب بود، در حقیقت هم موافق قرآن نیست و هم شاهد یا دو شاهد از قرآن نیز ندارد (ر.ک: موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۳۵؛ محقق داماد، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۲۲).

اکنون این پرسش پاسخ داده می‌شود که مفاد اخبار عرضه چیست؟ آیا اطلاق دارد یا اختصاص به مورد تعارض دارد؟

۲-۱. مفاد دو گانه اخبار عرضه

عموم اصولی‌ها، اخبار عرضه را در دو سطح اخبار طرح و اخبار علاجیه (باب تعارض) دسته‌بندی نموده‌اند (نابینی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۷۹۰؛ امام خمینی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۵۵۹؛ محقق داماد، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۲۲). (البته محقق داماد، مفاد اخبار زخرف و باطل بودن مخالف با قرآن را به عنوان قسم جداگانه‌ای در نظر گرفته است) بدین معنا که بخشی از روایات می‌گوید: خبری که مخالف با کتاب باشد، به طور مطلق از درجه

اعتبار ساقط است و فاقد ضابطه‌های لازم برای حجیت است. از این رو، مفاد این دسته، در صدد بیان تمییز حجت از لا حجت است. تعبیر به کار رفته در این دسته، مانند زخرف، «لم نقله» و باطل، گویای همین معناست.

بخش دیگری از روایات که به تعبیر فنی از آنها به اخبار علاجیه تعبیر می‌شود، اختصاص به باب تعارض و رویارویی دو خبر دارد که اگر تعارضی بین آن دو نبود، هر دو خبر معتبر بودند. به بیانی دیگر، پس از کسب شرایط حجیت و اعتبار، از حیث مدلول با یکدیگر تنافی و ناسازگاری دارند. بر این اساس، موافقت با قرآن به عنوان مرجح در نظر گرفته می‌شود. برای نمونه، اگر یک روایت، نوع خاصی از ماهی را حرام و روایت دیگر آن را حلال می‌دانست و سند و دلالت و جهت صدور هر یک از این دو روایت نیز تمام بود؛ در این صورت، دو روایت با هم تعارض دارند. حال چون روایت حلیت با اطلاق آیه «أَجَلٌ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ» (مائده: ۹۶) موافق است، بر خبر نشانگر حرمت ترجیح دارد.

در مقام اثبات و واقع نیز، اصولی‌ها به هر دو زمینه پرداخته و نتایجی را در فقه بر آن مترتب نموده‌اند؛ بدین معنا که بر طبق بخش اول نظر به عدم اعتبار و حجیت خبر مخالف با قرآن داده‌اند و در مقام تعارض نیز با تحفظ بر ضابطه‌های مرجحات باب تعارض و تقدیم و تأخیر بین آنها، حکم به ترجیح خبر موافق با کتاب داده‌اند. محقق نایینی نیز در فرائد الأصول، همین استنتاج را از مدلول اخبار عرضه داشته و آنها را در دو قسم ذکر کرده است: اخباری که به طرح خبر مخالف با قرآن نظر دارند و اخباری که به مقام تعارض، اختصاص داشته و خبر موافق با کتاب را راجح دانسته است (نایینی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۷۹۰). با این وجود، برخی نویسندگان بر این باورند که اصولی‌ها تنها در باب تعارض به اخبار عرضه توجه داشته‌اند و بخش نخست که تفکیک حجت از لا حجت است، مورد بی توجهی قرار گرفته است.

این نویسندگان ابتدا به سه رویکرد در رابطه روایات و قرآن اشاره می‌کند و بر این باور است که گروهی، قرآن را مصدر یگانه برای همه معارف دینی دانسته‌اند و سنت را به استناد اینکه محفوف به شک و وضع و تحریف است رها نموده‌اند. او از اینها به قرآنیون تعبیر می‌کند. گروه دوم در تقابل با قرآنیون را کسانی می‌داند که یگانه مرجع

در معارف دینی را سنت و حدیث دانسته‌اند. به ادعای وی این گروه در امامیه، خود به دو گروه تقسیم می‌شود. گروهی، مانند اخباری‌ها و در رأس آنها استرآبادی، قرآن را از اعتبار ساقط دانسته است. با این ادعا که قرآن تنها برای «مَنْ خُوْطِبَ بِهِ» یعنی مخاطبان، حجت است که پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام هستند. وی این گروه را محدثان نام گذاشته و از شیخ صدوق، مجلسی، بحرانی و استرآبادی در این گروه نام می‌برد.

گروه دوم، اصولی‌های شیعه هستند که اینها مرجعیت حدیث را در معارف پذیرفته‌اند؛ ولی به شکل محدودی تنها در فرض تعارض با اخبار به موافقت با کتاب به عنوان یک مرجع نظر دارند. او این گروه را - که به علم اصول در فرایند استنباط نظر دارند- اصحاب اسلام الحدیث می‌خواند که به اعتبار محدود و ضیق قرآن نظر دارند. وی خود رویکرد قرآنیون و رویکرد دوم با دو گروه خود را مردود می‌داند و رویکرد سوم - که به نظر وی همان محوریة القرآن و مداریة السنة است- را بر می‌گزیند. او در این رویکرد می‌گوید: قرآن، مصدر اصلی و پایه‌ای در همه معارف دینی است و در قبال قرآن، هیچ چیز دیگری در تبیین قواعد و دستورهای دینی در منظومه اسلامی قابل طرح نیست و سنت در طول و در سایه قرآن قرار می‌گیرد.

از نظر او، در این رویکرد ضرورت عرض روایات بر قرآن به منظور شناخت مقدار دلالت روایات و نیز موافقت روایات با اصول و قواعد و دستورهای قرآن ضروری است (نه فقط در فرض تعارض) و از این رویکرد خود، به اسلام القرآن فی قبال اسلام الحدیث تعبیر می‌کند (طلال الحسن، بی‌تا، صص ۵۶-۵۵؛ ۱۴۳۷، صص ۳۰-۲۵) یکی از نتایج این رویکرد آن است که در عمل، حضور سنت در فرایند استنباط، ضیق و محدود می‌شود (حب الله، ۲۰۰۶، صص ۶۱۲ به بعد) و در فقه نیز خروجی‌های قابل تأملی را در پی دارد. این ادعا ناشی از عدم توجه به مفاد دو دسته از روایات با عنوان طرح روایت مخالف کتاب و عدم حجیت آن و نیز روایات علاجیه یا اخباری که در صدد ترجیح موافق روایت موافق با کتاب در فرض متعارضان است.

۱-۳. مفهوم مخالفت در روایات عرضه

چنان‌که گذشت از روایات عرضه، سه عنوان مخالفت با کتاب، عدم موافقت با کتاب و عدم وجود شاهد یا دو شاهد از کتاب، قابل انتزاع است که برخی، هر سه را به

یک عنوان - که همان مخالفت با کتاب باشد (اخص مضموناً) - فرو کاسته‌اند؛ زیرا اگر روایتی مخالف با کتاب بود، در حقیقت، این طور نیست که هم موافق قرآن باشد و هم شاهد یا دو شاهد از قرآن داشته باشد (ر.ک: موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۳۵؛ محقق داماد، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۲۲) که هم در تعارض دو خبر و هم غیر تعارض؛ یعنی تنافی یک روایت با قرآن تصویر می‌شود.

یکی از چالش‌های عمده در بین اصولی‌ها، تبیین درست و منطقی عنوان مخالفت در روایات عرضه است. به بیان دیگر، مقصود از طرد روایات مخالف با قرآن چیست؟ آنچه که این موضوع را پیچیده‌تر کرده، صدور انبوه روایات مسلم الصدوری است که از ائمه علیهم‌السلام صادر شده است؛ در حالی که به حسب ظاهر، در بردارنده نوعی از عدم وفاق با قرآن است. مرحوم شیخ انصاری در کتاب فرائد الأصول و محقق خراسانی در کفایه و محقق نایینی در فوائد الأصول و نیز به نقل اجود التقریرات، بیان‌های مختلفی در تفسیر عنوان مخالفت دارند. مرحوم آخوند خراسانی در کفایه (خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۲۳۷) و جمعی دیگر از اصولی‌ها، تخالف روایت با قرآن را از نوع تباین و تنافی کلی دانسته‌اند. برای نمونه اگر در قرآن، عملی واجب شمرده شود؛ ولی روایت بگوید حرام است، بیانگر تباین و تنافی کلی میان روایت و قرآن است؛ اما عموم و خصوص مطلق یا اطلاق و تقیید میان قرآن و روایات از اساس در نظر عرف، مخالفت محسوب نمی‌شود. مانند اینکه قرآن کریم، ربا را تحریم نموده؛ ولی روایات، ربای بین پدر و فرزند را از تحت آن خارج دانسته است (شیخ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۷۱).

۲. اشکال بر تخالف تباینی

مرحوم شیخ انصاری در فرائد الأصول، اشکالی به این بیان وارد کرده است. ایشان می‌فرماید که حجم بسیار اندکی از روایات ما با قرآن تباین کلی دارد و یا از نظر مصداق، چنین روایاتی نداریم. از این رو، اینکه همه اهتمام روایات عرضه مبنی بر لزوم عرض روایات بر کتاب الله را ناظر به شمار اندکی از روایات نماییم، پذیرفته نیست؛ به ویژه آنکه جعل‌کنندگان حدیث، نیز در بیشتر موارد، جهت پذیرش احادیث جعلی خود، روایاتی را جعل می‌کردند که در تباین کلی با قرآن نباشد (شیخ

انصاری، ۱۴۲۸، ج ۱، صص ۲۵۱-۲۵۰) بنابراین شیخ انصاری برای اینکه محمل مناسبی برای اخبار عرضه بیابد، فرموده است که مورد کاربست این اخبار، معطوف به اخباری است که مربوط به اصول دین است و از بحث فروع دین خارج است، و یا این اخبار را حمل بر صورت تعارض کنیم، یا حمل بر خبر غیر ثقه شود؛ زیرا حجیت خبر ثقه به ادله قطعیه ثابت شده است.

محقق خراسانی در کفایه نیز می‌فرماید: شاید مقصود از اخبار عرضه و زخرف و باطل دانستن خبر مخالف با قرآن، خبری باشد که با مراد واقعی خداوند و یا باطن قرآن مخالف باشد؛ از این رو مخالفت با ظاهر قرآن مراد نیست. البته با تعبیر «فافهم» می‌افزاید: مشکل این است که فهم باطن قرآن برای افراد غیر از ائمه علیهم‌السلام امکان‌پذیر نیست؛ از این رو این ملاک نمی‌تواند معیاری جدی در سنجش روایات باشد (خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۲۳۷). چنان‌که روشن است تحلیل این دسته از اصولی‌ها مبتنی بر نص آیات و گزاره‌های قرآنی است و در واقع، مواجهه روایات مخالف را با نصوص قرآن دانسته‌اند.

در مقابل، شهید صدر و برخی دیگر از محققان، مواجهه اخبار مخالف با قرآن را به روح آیات قرآن و نه نص و الفاظ آن دانسته‌اند. شهید صدر در ابتدا می‌پذیرد که مخالفت در روایات عرضه، معنای عامی دارد و هر گونه تنافی، اعم از تباین، عموم و خصوص مطلق، من وجه، تخصیص و تقیید و حکومت را شامل می‌شود (تعارض مستقر و غیر مستقر).

پژوهشگران برای خروج روایاتی که به ظاهر متنافی می‌رسند، یکی از این دو راه را برگزیده‌اند: برخی برآنند که معارضه تخصیصی، تقییدی و حکومتی از نظر عرف مخالفت نیست؛ زیرا خاص و مقید و حاکم، قرینه است و مراد اصلی گوینده را ارائه می‌کند. برخی دیگر بر این باورند که با توجه به اینکه انسان، یقین به صدور بسیاری از مخصصات و مقیدات از ناحیه اهل بیت علیهم‌السلام دارد، گویا این علم اجمالی نقش قرینه متصله را در عنوان مخالفت ایفا می‌کند و یا دست کم، اطلاقات قرآنی را از حجیت ساقط می‌کند. ایشان در ادامه می‌نویسد: ممکن است ما اخبار عرضه را به گونه‌ای تفسیر کنیم که نیازی به مباحث گذشته هم نباشد؛ به این بیان که مقصود از

مخالفت، تخالف با روح عام قرآن باشد؛ یعنی طبیعت تشریحات قرآنی و مزاج احکام الهی. بنا بر این، مخالفت با آیه‌ای خاص مقصود نیست.

با توجه به این معنا، کنار نهادن ادله ظنی‌ای که با قرآن معارض است از اخبار عرضه استفاده نمی‌شود؛ مگر زمانی که این معارضه، منجر به الغای یک اصل مستفاد قرآنی واضح شود. برای نمونه اگر خبری بر عدم تسویه در خلقت و یا نقص و خست قومی یا اینکه فلان قوم بشر قسمی از جن هستند، دلالت داشت، این خبر به دلیل مخالفت با تساوی بشر در خلقت طرح می‌شود (صدر، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۳۳۳؛ ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۶۵۲)

آیت‌الله سیستانی، همین نظر را با بسط و تفصیل بیشتری برگزیده است. ایشان می‌نویسد: اکثر اصولی‌های متأخر، مفاد اخبار عرضه را به موافقت و مخالفت با نص قرآن تفسیر نموده‌اند؛ بدین معنا که روایت را بر یک آیه مشخصی از قرآن عرضه کرده‌اند. اگر نسبت بین آنها تباین و یا عموم و خصوص من وجه بود (در ماده اجتماع) خبر را طرح می‌کنند؛ ولی اگر عموم و خصوص مطلق بود، به حدیث عمل می‌کنند. ایشان معتقد است که مقصود از کلمه موافقت در روایات عرضه، توافق روحی و مضمونی با اصول عام مستفاد از کتاب و سنت است. برای نمونه، اگر ظاهر روایتی بر جبر دلالت داشت، به خاطر مخالفت این روایت با کتاب و سنت وانهاده می‌شود؛ در حالی که ما روایت را با آیه مشخصی مقارنه نکرده‌ایم (سیستانی، ۱۴۱۴، صص ۱۱-۱۲).

بر این اساس، ایشان در ابتدا نسبت عمل به قیاس را در مورد کسانی، مانند ابن جنید، توجیه نموده است و می‌فرماید که شاید مراد از عمل ابن جنید به قیاس، همان عرضه و قیاس روایات با روح کتاب و سنت باشد؛ چنان که در روایت حسن بن جهم از امام رضا علیه السلام در مورد نقل اخبار متعارض از ائمه علیهم السلام، حضرت فرمود: «مَا جَاءَكَ عَنَّا فَقِسْهُ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَحَادِيثِنَا؛ فَإِنْ كَانَ يُشْبِهُهُمَا فَهُوَ مِنَّا وَإِنْ لَمْ يُشْبِهُهُمَا فَلَيْسَ مِنَّا.» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۵۷)

گواه بر این مدعا آن است که در برخی منابع، بزرگانی از اصحاب، مانند فضل بن شاذان، یونس بن عبد الرحمن و یا زرارة بن اعین، جمیل بن دراج و عبد الله بن بکیر

را عامل به قیاس معرفی کرده است؛ در حالی که این نسبت با جلالت شأن آنها سازگار نیست. از این رو، محمل مقبول آن همان معنایی است که ما از قیاس ذکر کردیم. برخی از محققان و قرآن‌پژوهان هم، مانند مرحوم آیت الله معرفت، تباین در روایات عرضه را مخالفت با بنیان دین و روح شریعت؛ یعنی اهداف و مقاصد شریعت دانسته‌اند (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۹، ج ۱، صص ۲۲۳-۲۲۲) اگر چه این نظریه، مشی متفاوتی در پیش گرفته و تا حدی اشکال‌های پیشین را برطرف می‌کند و به آن بخش از معانی و مقاصد شارع که از مجموعه گزاره‌ها و کنار هم نهادن آنها به دست می‌آید، نظر دارد؛ ولی با توجه به مفاد روایات عرضه، جای این مذاقه وجود دارد که آیا امکان ارائه این تفسیر موسع و گسترده از روایات عرضه وجود دارد؟ هم‌چنین بر اساس چه منطق و قاعده‌ای، ما به قواعد عمومی و روح کتاب و سنت دست می‌یابیم؟

۳. نظریه محقق نایینی

محقق نایینی، اخبار عرضه را به دو بخش تقسیم می‌کند: نخست روایاتی که مخالف کتاب را زخرف و باطل معرفی نموده که از ائمه علیهم‌السلام صادر نمی‌شود و باید به دیوار زده شود. دوم روایاتی که در باب تعارض دو خبر وارد شده و مفاد آنها این است که خبر موافق با قرآن، باید مورد عمل واقع شود و روایت مخالف با قرآن طرد شود. ایشان سپس می‌افزاید: عدم مخالفت با قرآن، یکی از شرایط حجیت خبر واحد است. حال چگونه موافقت با کتاب به عنوان یکی از مرجحات خبر در باب تعارض معرفی شده است؟ در واقع، این دو طایفه از روایات عرضه، خود دربردارنده نوعی تنافی است؛ زیرا طایفه اول می‌گوید که مخالف کتاب باطل است و از اساس حجیت ندارد؛ ولی دسته دوم می‌گوید که خبر موافق با کتاب را اخذ کن، و مفهوم آن این است که خبر مخالف با کتاب را رها کن؛ در حالی که خبر مخالف کتاب، در اصل حجیت ندارد. ایشان همین اشکال را به مرجح مخالفت با عامه نیز تسری می‌دهد. نایینی در مقام پاسخ از اشکال، یادآور می‌شود که باید بین شرایط حجیت خبر و شرایط ترجیح یک خبر در فرض تعارض، تفکیک قائل شد. با این توضیح که آن دسته از اخباری که مفاد آنها طرد مخالف کتاب بود، مخالفت از نوع تباین را مد نظر

دارد. از این رو اگر خبری تباین کلی با کتاب عزیز داشت، زخرف و باطل است و از اساس، فاقد شرایط حجیت است و البته امکان صدور چنین خبری از معصوم علیه السلام وجود ندارد؛ ولی اگر یکی از دو خبر متعارض با عمومات یا اطلاقات کتاب موافق بود، ترجیح داده می‌شود و خبر دیگر کنار گذاشته می‌شود؛ در حالی که واجد شرایط حجیت است.

بنا بر این، فرض تباین یک روایت با کتاب، داخل در مقوله حجیت؛ فرض تنافی عمومی یکی از دو روایت متعارض با کتاب، داخل در مقوله تعارض و فرض عموم و خصوص مطلق از باب جمع عرفی است. نایینی در پایان، امر چهارم از فوائد الأصول برای ترجیح یک خبر به موافقت با کتاب مثال می‌زند که برای نمونه، دو خبر وارد شده است که مفاد یکی، حلیت گوشت حمیر و مفاد دیگری حرمت آن است. در چنین فرضی، خبری که موافق با عام قرآنی؛ یعنی حلیت عموم اشیاء است ترجیح داده می‌شود. ایشان موافقت یک خبر با عموم و نیز اطلاق قرآن را مایه ترجیح می‌دانند؛ ولی برخی دیگر، مانند محقق خویی، تنها موافقت یک خبر با عمومات قرآن را موجب ترجیح آن خبر می‌دانند؛ اما اگر خبری در فرض تعارض با اطلاق یک آیه توافقی داشت، موجب ترجیح نیست؛ زیرا به نظر ایشان، استفاده عموم، لفظی است؛ ولی استفاده اطلاق، نه به استناد لفظ، بلکه بر اساس اجرای مقدمات حکمت و از نوع دلالت عقلی است. (ر.ک: خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۵۰) در حالی که اجرای مقدمات حکمت اگرچه عقلی است؛ اما مثل عموم، مستند به لفظ است. نکته قابل توجه این است که محقق نایینی بر خلاف مرحوم آخوند و محقق عراقی (عراقی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۲۰۱-۲۰۰) و موافق با شیخ انصاری، قائل به ترتیب میان اسباب ترجیح، مانند مرجح سندی، جهتی و مضمونی است و بر آن است که مرجح سندی بر مرجح جهتی، و مرجح جهتی بر مرجح مضمونی مقدم است. بنابراین، اگر دو روایت، یکی مشهور و دیگری مخالف عامه بود، روایتی که شهرت به همراه اوست مرجح سندی دارد و مقدم است. همچنین اگر دو روایت، یکی مخالف عامه بود و مرجح جهتی داشت و روایت دوم، موافق با کتاب و مرجح مضمونی داشت، روایت مخالف با عامه مقدم است؛ زیرا مرجح جهتی بر مضمونی مقدم است (ر.ک:

نایینی، ۱۳۷۶، ج ۴، صص ۷۸۲-۷۸۰).

۳-۱. مدلول روایات طرح

نسبت به روایاتی که مفاد آنها، طرح روایت مخالف با کتاب است، محقق نایینی در فوائد (نایینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۶۳) و نیز شاگرد ایشان، محقق خوئی در دراسات فی علم الأصول (خوئی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۳۹۱) همانند شیخ انصاری و مرحوم آخوند، مشی نموده و مخالفت یک حدیث با قرآن را از نوع تباین یا عموم من وجه (در ماده جمع) دانسته‌اند (برای نمونه، در دو دلیل «اکرم کل عالم» و «لا تکرم کل فاسق» نسبت به فرد عالم و فاسق غیر عالم، تعارضی نیست. تعارض در ماده جمع، یعنی فرد عالم فاسق است که دلیل نخست بر اکرام او و دلیل دوم، عدم اکرام او را طلب می‌کند.) و برآنند که نسبت عموم و خصوص مطلق یا اطلاق و تقیید میان قرآن و روایات در اساس، از نظر عرف، مخالفت محسوب نمی‌شود؛ بلکه از نوع تخالف بدوی است که با اندکی تأمل از بین می‌رود و در واقع، خاص و مقید به منزله قرینه بر ذوالقرینه؛ یعنی عام و مطلق است که از مخاطب، رفع تحیر و سرگردانی می‌شود. (نایینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۶۳ و ج ۴، ص ۷۲۸؛ خوئی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۵۲۸) منطقی تقدم خاص بر عام هم حکومت اصالة الظهور در طرف خاص بر اصالة الظهور در جانب عام است (نایینی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۷۱۶).

نایینی می‌افزاید که اگر این نوع ناسازگاری را مخالفت تلقی کنیم، پیامد ناگوار و مهم تعطیلی احکام و شریعت را در پی دارد؛ زیرا عموم تشریحات قرآنی از نوع عام و مطلق است و سنت به منزله تبیین جزئیات و تفصیل احکام است که در بیشتر موارد، در قالب تخصیص و تقیید آمده است. پس پذیرفته نیست که از سویی پیشوایان معصوم علیهم السلام خبر مخالف با قرآن را باطل اعلام نمایند و طبق فرض، علاوه بر مخالفت تباین، مخالفت تخصیص و تقیید را هم شامل شود و از سویی دیگر، انبوه زیادی از تشریح را با تخصیص و تقیید قرآن مقرر نمایند. (ر.ک: نایینی، ۱۳۷۶، ج ۳، صص ۱۶۳-۱۶۲).

به همین دلیل، محقق خوئی، خروج این روایات را از تحت لسان ادله عرضه به تخصص می‌داند و نه تخصیص. (همانند خروج جاهل از تحت اکرم العالم) بدین معنا که در اساس، مخالفتی اتفاق نیفتاده تا بعد بگوییم این اخبار مخالف، اخبار عرضه را تخصیص زده است. نکته مرحوم خوئی به ویژه با تمرکز بر عناوینی، مانند

زخرف، باطل، و «لم نقله» ترکیز می‌شود (خویی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۳۹۱؛ ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۵۲۸) سپس نایینی همانند شیخ انصاری، حمل اخبار عرضه را بر فرض تباین، خالی از اشکال نمی‌داند. به نظر ایشان، اشکال تباین در این است که از اساس ما خبری که در تباین کلی با قرآن کریم باشد نداریم. کسانی هم که به دنبال دسّ و وضع بودند، به این مساله آگاه بودند. بنابراین از جعل خبر مباین با قرآن کریم دوری می‌کردند. از این رو ایشان هم محمل‌های دیگری، مانند اصول اعتقادی، همچون نفی جبر و تفویض و قدر را جستجو می‌کند و اینکه بخش دیگری از روایات، ناظر به باب تعارض باشد (نایینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۶۳).

۲-۳. دیدگاه قضیه خارجیّه

مرحوم نایینی طبق تقریر أجود التقريرات، برداشت متفاوتی ارائه نموده است که هم در رفع اشکال پیشین تأثیر دارد و هم پاسخی به ادعای جریان قرآن‌محوری است که اصرار دارند به منظور تمییز حجت از لا حجت، عرضه اخبار بر قرآن، ضروری است. ایشان با عنایت به قرینه صدور این روایات در عصر امام صادق علیه السلام، بر آن است که محلّ اصلی روایات عرضه، نفی اخباری است که توسط برخی از غلاة و معتقدان به الوهیت ائمه علیهم السلام در زمان امام صادق علیه السلام و در حوزه عقاید، جعل شده بود و در ضمن آن، منکر نماز و روزه و ... شده بودند. چنان‌که برخی از آنها به جعل تعداد زیادی روایت اعتراف نموده‌اند. پس این روایات، در صدد انکار افکار و برداشت‌های آنهاست. به عبارت دیگر، این روایات مربوط به یک قضیه خارجیّه است که در زمان امام صادق علیه السلام جعل خبر در اصول اعتقادی و احکام به کثرت صورت می‌پذیرفت. از این رو، امام در صدد ارائه ملاکی استوار برای تمییز اخبار جعلی از اخبار صحیح بر آمدند و آن ملاک، عدم مخالفت با قرآن بود (نایینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۱۰۲)^۱ که البته با پالایشی که صورت گرفت به ویژه به دست صاحبان اصول

فقه و اجتهاد / توفیق دلالی روایات عرضه بر قرآن با تأکید بر...

۱. «وهی وإن كانت كثيرة إلا أن الظاهر منها خصوصاً بقرينة صدورها في زمان الصادق علیه السلام انها في مقام الأمر بطرح الأخبار التي وضعها جماعة من أهل ذلك العصر الذين ذهبوا إلى ألوهيته علیه السلام وأنكروا وجوب الصلاة والصوم والزكاة وأولوا الآيات، فقالوا: ان الصلاة كان رجلا وغيره من الخرافات. فصدر هذه الاخبار في مقام إنكار أقوالهم وما ينسبونه إليه علیه السلام».

اربع‌مائه و نیز نویسندگان کتب اربعه، این احادیث به مجامیع روایی شیعه ورود چندانی نیافت. نتیجه مهمی که بر این بیان مترتب می‌شود این است که خبر به خودی خود، برای حجیتش، نیازی به موافقت با قرآن ندارد و اقتضای حجیت را دارد. تنها اگر مخالف با قرآن بود، به دلیل احتمال جعل آن، از اعتبار خارج است.

ممکن است بر این مدعا، شواهدی اقامه شود:

۱. اگر شرط اعتبار خبر، عدم مخالفت با قرآن بود، باید توسط پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام هم ابراز می‌شد؛ در حالی که بیشتر اخبار عرضه به دوره امام باقر ﷺ و امام صادق ﷺ برمی‌گردد؛ زیرا فرقه‌ها و نحله‌های انحرافی؛ مانند زنداچه، در آن زمان زیاد بود که برخی از آنها، مانند عبد‌الکریم بن اَبی‌العوجاء به جعل تعداد زیادی حدیث در عرصه عقاید و احکام اعتراف کرده است (علم‌الهدی، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۱۲۸ و ۱۳۷) از این رو با توجه به شیوع جعل اخبار در آن دوره، کثرت صدور روایات عرضه توجیه‌پذیر است.

۲. تعبیر «ثُمَّ رُدُّوهُ إِلَيْنَا حَتَّى يَسْتَبِينَ لَكُمْ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص ۱۱۲) که در برخی روایات عرضه آمده، قرینه بر این است که مربوط به زمان حضور امام ﷺ است که امکان ارائه بر امام ﷺ وجود داشته است.

۳. مهم‌تر اینکه صدور روایتی از ائمه علیهم‌السلام که در تباین با قرآن کریم باشد، با توجه به گستره علم و احاطه کامل آنان بر قرآن کریم پذیرفته نیست و از اساس، فرضی ندارد؛ چنان‌که محشی کفایه، مرحوم بروجردی بیان کرده است (بروجردی، ج ۱، ص ۵۶۲). این بیان محقق‌نایینی بیان متفاوتی است که البته توسط شیخ انصاری و برخی دیگر به صورت اجمالی مطرح شده بود.

۳-۳. بررسی دیدگاه محقق‌نایینی

چنان‌که در بالا گذشت، نظریه محقق‌نایینی، مبتنی بر تحلیل تاریخی و معطوف به عصر صدور روایات عرضه و قضیه خارجی است؛ بدین معنا که ایشان بر این باور است که با توجه به رویکرد انحرافی و غلوگرایانه برخی از راویان، روایاتی که با اصول و مبانی درست شیعی ناسازگار بود، وارد چرخه نقل و روایت حدیث گردید. از این رو امام باقر ﷺ و امام صادق ﷺ، عرضه بر قرآن را به عنوان سنجه و ملاکی

قابل اطمینان برای ارزیابی و پالایش اخبار معرفی نمودند تا از ورود اخبار ضعیف و ناسازگار با اصول اعتقادی شیعه جلوگیری شود. در مقام بررسی دیدگاه محقق نایینی، به اختصار باید یادآور شویم که:

اولاً، روایات عرضه تنها از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روایت نشده؛ بلکه از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام و امام رضا علیه السلام نیز روایاتی به این مضمون رسیده است (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۷۹). در کتب روایی اهل سنت نیز روایات عرضه به نقل از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمده است (طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۹۷).

ثانیاً، پذیرفته است که گاه، روایاتی به صورت آگاهانه و با انگیزه جعل، وضع، دس و تحریف توسط برخی غالیان صورت گرفته است؛ ولی تمام سخن در این است که گاه روایاتی به صورت ناآگاهانه و به دلیل عدم ضبط صحیح روایت یا نقل به معنا و بدون انگیزه جعل و وضع، وارد چرخه نقل حدیث شده است. از این رو ائمه علیهم السلام عرضه بر قرآن را به عنوان ملاک سنجش قرار داده‌اند تا از ورود این دسته از روایات به فضای تشریح جلوگیری نمایند. روشن است که این موضوع، اختصاص به عصر امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام ندارد. اطلاق روایات عرضه نیز از عدم اختصاص آنها به دوره‌ای خاص حکایت دارد. افزون بر اینکه در مقابل مرحوم نایینی، برخی محققان، مانند شهید صدر و آیت‌الله سیستانی، از اساس، اخبار عرضه را ناظر به سازگاری و مطابقت با روح آیات قرآن و نه نص و الفاظ آن دانسته‌اند که در متن این نوشتار به آنها پرداخته شد.

نتیجه‌گیری

شناخت مدلول اخبار عرضه، از مباحث مهم و چالشی در علم اصول است که ثمره‌های مهمی در بحث حجیت خبر واحد، تمییز حجت از لا حجت و تعارض و ترجیح یکی از دو خبر دارد. در فقه نیز، موارد بی‌شماری از تعارض اخبار وجود دارد که با فرض توافق با قرآن، خبر مرجح‌دار مقدم می‌شود. ضمن اینکه اثبات تحریف‌ناپذیری قرآن، امکان وصول به مراد خداوند از جملات قرآن، اراده‌ی معنای خاص خداوند از الفاظ و آیات قرآن به شکل غیر مستقیم با اخبار عرضه، قابل تحلیل و بررسی است. پژوهش پیش رو با تمرکز بر آراء محقق کم نظیر، نایینی علیه السلام

این بحث را پیگیری نمود و به نتایج ذیل دست یافت:

۱. اخبار عرضه از حیث کمیت، مجموعه زیادی را شامل می‌شود که از آنها به متضافر و یا متواتر (مضمونی یا اجمالی) یاد شده است.
۲. محقق نایینی، مانند جمع زیادی از اصولی‌ها، احادیث عرضه را در دو سطح متعارضین و غیر متعارضین، بررسی و پیگیری نموده است.
۳. عنوان مخالفت در روایات عرضه از مباحث چالشی در بین اصولی‌ها است. جمع زیادی، تخالف را به تباین کلی تفسیر نمودند؛ ولی با توجه به اشکال‌هایی، مانند نادر بودن اخبار متباین با کتاب و یا حتی نبود این اخبار، تخالف را مربوط به اصول عقاید، اخبار ظنی غیر ثقه و یا مانند آخوند خراسانی به باطن قرآن برگرداندند. برخی دیگر، مواجهه تخالف را نسبت به روح عامه و قوانین کلی قرآن و سنت تعبیر کرده‌اند. مرحوم نایینی اشکال را در فقدان روایات متباین با قرآن بیان کرده و اگرچه ایشان هم مانند سایر علما، نخست اصول عقاید را محمل مناسبی برای عنوان تخالف در اخبار عرضه تبیین نمود؛ ولی با توجه به قرینه صدور غالب این روایات در عصر امام صادق علیه السلام و جعل بی رویه اخبار، عنوان تخالف در روایات عرضه را به عنوان ملاکی برای تفکیک اخبار جعلی از غیر جعلی معرفی نمودند. به عبارت دیگر (با توضیح مقاله)، این نگاه بر خلاف ادعای جریان قرآن‌محوری - که بر لزوم عرضه هر خبری بر قرآن اصرار دارد - بر این باور است که شأن صدور و تمرکز اصلی اخبار عرضه، تفکیک میان اخبار جعلی از غیر جعلی است؛ نه تفکیک حجت از لا حجت. از این رو، اقتضای اولیه روایات، بدون عرضه بر قرآن، حجیت است.
۴. محقق نایینی، موافقت یک خبر با عموم و اطلاق قرآن را موجب ترجیح دانسته است؛ ولی برخی، مانند محقق خوئی، تنها موافقت یک خبر با عمومات قرآن را موجب ترجیح آن خبر می‌دانند؛ اما اگر خبری در فرض تعارض، با اطلاق یک آیه، توافق داشت، موجب ترجیح نیست.

فهرست منابع

- قرآن کریم.

۱. ابن زهره، حمزة بن علی حسینی (۱۴۱۷)، غنیه النزوع إلى علمی الأصول والفروع، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۲. انصاری، مرتضی (۱۴۲۸)، فرائد الأصول، قم: مجمع دار الفکر الإسلامی.
۳. بحرانی، یوسف بن محمد (۱۴۰۵)، الحدائق الناظرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. بروجردی، سید حسین (۱۴۱۲)، الحاشیة علی کفایة الأصول، قم: انصاریان.
۵. حب الله، حیدر (۲۰۰۶)، نظریة السنة فی الفکر الامامی الشیعی، بیروت: مؤسسه الإبتشار العربی.
۶. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۷. خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۹)، کفایة الأصول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۸. خمینی، سید روح الله (۱۴۰۹)، تنقیح الأصول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۹. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰)، التنقیح فی شرح العروه الوثقی، قم: دار الهادی للمطبوعات.
۱۰. _____ (۱۴۱۹)، دراسات فی علم الأصول، قم: مؤسسه دار المعارف فقه اسلامی.
۱۱. _____ (۱۴۲۲)، مصباح الأصول (مباحث الفاظ)، قم: مکتبه داورى.
۱۲. سبحانی، جعفر (۱۴۱۹)، مصادر الفقه الاسلامی، بیروت: دار الأضواء.
۱۳. سید مرتضی (بی تا)، رسائل المرتضی، قم: مطبعة الخيام.
۱۴. سیستانی، سید علی (۱۴۱۴)، الرافد فی علم الأصول، قم: لیتو گرافی حمید.
۱۵. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶)، الفرقان فی تفسیر القرآن، بی جا: فرهنگ اسلامی.
۱۶. صدر، سید محمدباقر (۱۴۱۷)، بحوث فی علم الأصول، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
۱۷. صدر، سید محمدباقر (۱۴۰۸)، مباحث الأصول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۸. طبرانی، سلیمان بن أحمد (۱۴۱۵)، المعجم الكبير، قاهره: دار النشر.
۱۹. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳)، مجمع البیان، مشهد: نشر مرتضی.
۲۰. طلال الحسن (بی تا)، اسلام القرآن و اسلام الحدیث، بی جا: بی نا.
۲۱. _____ (۱۴۳۷)، میزان تصحیح موروث الروائی، کاظمین: مؤسسه الامام الجواد علیه السلام.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰)، الإستبصار، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۲۳. _____ (۱۴۰۷)، تهذیب الأحكام، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۴. عراقی، ضیاء الدین (۱۴۱۷)، نهاییة الافکار، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۵. علم الهدی، علی بن حسین (۱۹۹۸)، أمالی، محقق/ مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، قاهره: دارالفکر العربی.
۲۶. غلوم علی، علی حسن (۱۴۳۲). مرجعية القرآن فی الإستنباط الفقهي عند العلامة فضل الله، لإجتهد و التجديد، الصیف، العدد ۱۹.
۲۷. مامقانی، عبدالله (۱۴۱۱)، مقباس الهدایة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

۲۸. محقق داماد، سید محمد (۱۳۸۲)، *المحاضرات*، اصفهان: انتشارات مبارک.
۲۹. مسعودی، عبد الهادی (۱۳۹۲)، *آسیب شناسی حدیث*، تهران: انتشارات سمت.
۳۰. معرفت، محمد هادی (۱۴۲۹)، *التفسیر الأثری الجامع*، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۳۱. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۴)، *تصحیح الإعتقاد*، قم: کنگره شیخ مفید.
۳۲. موسوی بجنوردی، حسن (۱۳۸۰)، *منتهی الأصول*، تهران: مؤسسه العروج.
۳۳. نایینی، محمدحسین (۱۳۷۶)، *فوائد الأصول*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۴. _____ (۱۳۵۲)، *أجود التقريرات*، قم: مطبعة العرفان.